



پاسخ خودارزیابی‌های درس سوم

۱) در نمونه‌های زیر آرایه‌ی مراعات نظیر بین کدام واژه‌ها ایجاد شده‌است؟ مشخص کنید.

الف) مه روشن میان اختران پنهان نمی‌ماند میان شاخه‌های گل مشو پنهان که پیدایی (رهی معیبری)

☞ مه، اختران، روشن / شاخه، گل

ب) چون در این میدان نداری دست و پای همچو گوی اختیار سر به زلف همچو چوگانش گذار (صائب تبریزی)

☞ میدان، گوی، چوگان / دست، پا، سر / سر، زلف

پ) باغ باران خورده می‌نوشید نور لرزشی در سبزه‌های تر دوید (سهراب سپهری)

☞ باغ، سبزه / باران، تر / خوردن، نوشیدن

ت) نرگس از چشمک‌زدن شد فتنه در صحن چمن شیوه‌های چشم جادوی توام آمد به یاد (مجتبم کاشانی)

☞ نرگس، چمن / چشم، چشمک‌زدن / فتنه، جادو، چشم

ث) باغ بی‌برگی / روز و شب تنهاست / با سکوت پاک غمناکش / ساز او باران، سرودش باد (اخوان ثالث)

☞ تنها، سکوت / ساز، سرود / باد، باران

ج) آتش آن نیست که از شعله‌ی او خندد شمع آتش آن است که در خرمن پروانه زدند (حافظ)

☞ آتش، شعله، شمع، پروانه

چ) تا ز باغ خاطر گل‌های شادی بشکفتد هر چه در دل تخم کین داری، به زیر خاک کن (ملک الشعرایی)

☞ باغ، گل، تخم، بشکفتد، خاک

ح) از اسب پیاده شو، بر نطح زمین رخ نه زیر بی پیلش بین شهمات شده نعمان (خاقانی)

☞ اسب، پیاده، نطح (صفحه شطرنج)، رخ، پیل، شه، مات شدن (اصطلاحات شطرنج)

خ) بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر می‌زندگی خواهی که ادریس از چنین مردن بهستی گشت پیش از ما (سنایی)

☞ بمیر، مرگ، مردن، زندگی

د) دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار گوشه تاج سلطنت می‌شکند گدای تو (حافظ)

☞ دولت، عشق / افتخار، تاج سلطنت / فقر، گدا

ذ) هر چه رفت از عمر، یاد آن به نیکی می‌کنند چهره امروز در آینه فردا خوش است (صائب تبریزی)

☞ عمر، امروز، فردا / چهره، آینه

ر) آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی دست خود ز جان شستم از برای آزادی (فرخی یردلی)

☞ شاعر «سر» پای و دست را به گونه‌ای در شعر کنار یکدیگر چیده‌است که خواننده لذت می‌برد.

۲) در ابیات زیر تلمیح را مشخص کنید و درباره‌ی آن توضیح دهید.

الف) حرفی است این که خضر به آب بقا رسید زین چرخ دل‌سیه، دم آبی ندید کس (صائب تبریزی)

☞ اشاره به داستان چشمه‌ی آب حیات و خضر نبی در این بیت آشکار است. بنابر روایات، حضرت خضر به آب حیات که در ظلمات بوده، دست یافته و از آن نوشیده و بقای جاودان یافته و تا رستخیز، زنده است. وی راهنمای سالکان، مسافران و سرگشتگان در خشکی است و نزد صوفیان و عارفان، مقام «پیر و مرشد» دارد.



ب) چشمی دارم چو لعل شیرین همه آب جسمی دارم چو جان مجنون همه درد  
 بختی دارم چو چشم خسرو همه خواب جانی دارم چو زلف لیلی همه تاب (خاقانی)

ک تلمیح به داستان عشق خسرو، پادشاه خوش گذران ساسانی و شیرین برادرزاده مهین بانو  
 بیت دوم: تلمیح به داستان عشق لیلی و مجنون (دو تن از جوانان قبایل عرب که داستان عشقشان، مشهور و جهانگیر است).

پ) گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا (سنایی)

ک مصراع اول اشاره به داستان حضرت ابراهیم خلیل که آتش به امر خداوند بر او گلستان شد و مصراع دوم نیز به داستان  
 خشک شدن رود نیل بر حضرت موسی (ع) و یارانش هنگام عبور از آن رود، اشاره می‌کند.

ت) من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیره علف / پی فدقامت موج.

(سهراب سپهری)

ک اشاره به (سوره نور / آیه ۴۰): يُسَبِّحُ لَهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ  
 عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ: هر که در آسمان‌ها و زمین است و پرندگان بال‌گشوده، خدا را تسبیح می‌گویند. به یقین هر یک نماز و تسبیح خود را  
 می‌دانند و خدا به آنچه انجام می‌دهند، آگاه است.

ث) دامن خاک شد ز بسد و لعل تاج فرعون و گنج دقیانوس (رهی معیری)

ک این بیت اشاره به دو داستان دارد: ۱) اشاره به تاج جواهر نشان فرعون (فرعون عنوان پادشاهان مصر که حضرت موسی  
 به کاخ او راه یافت). ۲) اشاره به گنج‌های فراوانی که دقیانوس داشت (در زمان اصحاب کهف). به باور توده مردم «عهد دقیانوس»  
 یکی از قدیمی‌ترین عهود تاریخی است که از آن قدمی فراتر نمی‌توان نهاد. به همین سبب هر وقت بخواهند قدمت و کهنگی چیزی را  
 بیان کنند، به «عهد دقیانوس» اشاره می‌کنند.

ج) شور شیرین تو را نازم که بعد از قرن‌ها هر که لاف عشق زد، نامی هم از فرهاد برد (فاضل نظری)

ک اشاره به داستان عشق فرهاد به شیرین دارد. فرهاد، عاشق پاکبازی که در راه عشق به شیرین جان داد.

چ) ناقه سنگین می‌رود در هر قدم گویی ز شوق روح مجنون چنگ در دامن محمل می‌زند (طالب آملی)

ک اشاره به عشق مجنون به لیلی دارد که مجنون بعد از مخالفت پدر لیلی با ازدواجشان از شدت عشق لیلی، سر به بیابان گذاشت و  
 در نهایت پس از مرگ لیلی بر سر مزارش جان به جان آفرین تسلیم کرد.

ح) در آینه دوباره نمایان شد / با ایر گیسوانش در باد / باز آن سرود سرخ آنالحق / ورد زبان اوست. (محمدرضا شفیعی کدکنی)

ک شعر به ماجرای به دار آویخته شدن حسین بن منصور حلاج (عارف مشهور قرن چهارم) اشاره دارد. وی سخن جنجال‌برانگیز  
 «انا الحق» را پیوسته بر زبان می‌راند و چون سخنان عارفانه او از سوی علمای وقت فهم نشد، در بغداد کشته و سوزانده شد.

۳) آرایه تضمین را در اشعار و عبارات زیر پیدا کنید و ارتباط تضمین را با قسمت‌های دیگر متن مشخص کنید.

الف) ایوب با چندین بلا، کاندرا بلا شد مبتلا پیوسته این بودش دعا «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ» (سنایی)

ک شاعر برای اینکه پیام خود را به زیبایی برساند از این حدیث بهره برده است: صبر کلید فرج و گشایش است. مولوی  
 در چند جا از این حدیث استفاده کرده است:

«ای باغ کردی صبرها، در دی رسیدت ابرها الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ، ای صابران راستین»

ب) غالب اشعار او (سعدی) در این زمین به زبان پارسی است. اگر بگوی، به فهم نزدیک‌تر باشد. «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ». (گلستان سعدی)

ک سعدی در کلام خود از این حدیث حضرت علی (ع) استفاده کرده است تا بتواند مقصود خود را بهتر برساند.



پ) مکن گریه بر گور مقتول دوست قل الحمد لله که مقبول اوست (پوستان سعدی)

که سعدی کلام خود را مزین به آیه‌ای از قرآن کرده‌است.

ت) چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه «جنات تجری تحتها الانهار» داشت (حافظ)

که در این بیت نیز حافظ از آیه (وَادْخُلِ الَّذِينَ آمَنُوا و عملوا الصالحات جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها یأذن ربهم تحیتهم فیها سلام) استفاده کرده‌است تا خواننده با خواندن آن درک بهتری از موضوع داشته‌باشد و شدت گریه او را دریابد.

ث) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبدناک حقَّ عبادتک.» (گلستان سعدی)

که سعدی در این عبارت از حدیث «سبحانک ما عبدناک حقَّ عبادتک.» بهره برده و ارتباط منطقی بین عبارت و این حدیث برقرار کرده‌است.

۴) شعر فرخی یزدی را در خودارزیابی (۱) از نظر قلمرو فکری تحلیل کنید.

الف) ارزش و اعتبار آزادی، جایگاه والای آزادی

ب) آزادی آن قدر ارزش دارد که انسان جان خود را برای آن فدا کند.

۵) بیت زیر را، به دو صورت برش بزنید و وزن آن را بنویسید:

بگشود گره ز زلف زر تار محبوبه نیلگون عماری (علی اکبر دهخدا)

تار	زَر	فِ	زُک	زِ	رِه	گِ	دُ	شُو	بُگ	پایه‌های آوایی
ری	ما	عَ	گُونُ	لُ	نِی	یِ	بِ	بُو	مَح	
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	نشانه‌های هجایی
فعولن			مفاعِلن			مفعولُ			وزن واژه	

- اگر وزن واژه‌های (ارکان) این بیت را سه تا، چهارتا دسته بندی کنیم؛ وزن آن (مفعولُ مفاعِلن فعولن) می‌شود. اما اگر این بیت را به گونه دیگری بخوانیم و وزن واژه‌های (ارکان) این بیت را چهارتا، چهارتا دسته بندی کنیم؛ وزن (مستفعلُ فاعلاتُ فع لن) به دست می‌آید:

تار	زَر	فِ	زُک	زِ	رِه	گِ	دُ	شُو	بُگ	پایه‌های آوایی
ری	ما	عَ	گُونُ	لُ	نِی	یِ	بِ	بُو	مَح	
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	نشانه‌های هجایی
فع لن		فاعلاتُ				مستفعلُ			وزن واژه	